

شخصیت حضرت رقیه، واقعیت یا تحریف؟

در ایام محرم و صفر سوالات و شبهاتی درباره شخصیت ها و وقایع مطرح می شود. این یادداشت به بهانه 5 صفر سالروز شهادت حضرت رقیه منعکس شده است.



در ایام محرم و صفر سوالات و شبهاتی درباره شخصیت ها و وقایع مطرح می شود. این یادداشت به بهانه 5 صفر سالروز شهادت حضرت رقیه منعکس شده است.

نام گذاری حضرت رقیه (س)

رقیه از «رقی» به معنی بالا رفتن و ترقی گرفته شده است. (1) گویا این اسم لقب حضرت بوده و نام اصلی ایشان فاطمه بوده است؛ زیرا نام رقیه در شمار دختران امام حسین (علیه السلام) کمتر به چشم می خورد و به اذعان برخی منابع، احتمال این که ایشان همان فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) معروف به فاطمه صغری باشد، وجود دارد. (2) در واقع، بعضی از فرزندان امام حسین (علیه السلام) دو اسم داشته اند و امکان تشابه اسمی نیز در بین فرزندان آن حضرت وجود دارد.

گذشته از این، در تاریخ نیز دلایلی بر اثبات این مدعا وجود دارد؛ چنانچه در کتاب تاریخ آمده است: «در میان کودکان امام حسین (علیه السلام) دختر کوچکی به نام فاطمه بود و چون امام حسین (علیه السلام) مادر بزرگوارشان را بسیار دوست می داشتند، هر فرزند دختری که خدا به ایشان می داد، نامش را فاطمه می گذاشت. همان گونه که هرچه پسر داشتند، به احترام پدرشان امام علی (علیه السلام) وی را علی می نامید.» (3) گفتنی است سیره دیگر امامان نیز در نام گذاری فرزندان چنين بوده است.

پیشینه تاریخی نام رقیه

این نام ویژه تاریخ اسلام نیست، بلکه پیش از ظهور پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز این نام در جزیره العرب رواج داشته است؛ به عنوان نمونه، نام یکی از دختران هاشم (نیای دوم پیامبر (صلی الله علیه و آله)) رقیه بود که عمه حضرت عبدالله، پدر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به شمار می آید. (4)

نخستین فردی که در اسلام به این اسم، نام گذاری گردید، دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت خدیجه بود؛ پس از این نام گذاری، نام رقیه به عنوان یکی از نام های خوب و زینت بخش اسلامی درآمد.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز یکی از دخترانش را به همین اسم نامید که این دختر بعدها به ازدواج حضرت مسلم بن عقیل (علیه السلام) درآمد.

این روند ادامه یافت تا آن جا که برخی دختران امامان دیگر مانند امام حسن مجتبی (علیه السلام)، 8 امام حسین (علیه السلام) و دو تن از دختران امام کاظم (علیه السلام) نیز رقیه نامیده شدند. گفتنی است، برای جلوگیری از اشتباه، آن دو را رقیه و رقیه صغری می نامیدند. (5)

مادر حضرت رقیه (س)

بر اساس نوشته های بعضی کتاب های تاریخی، نام مادر حضرت رقیه (علیها السلام)، امّ اسحاق است که پیشتر همسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده و پس از شهادت ایشان، به وصیت امام حسن (علیه السلام) به عقد امام حسین (علیه السلام) درآمد است. (6) مادر حضرت رقیه (علیها السلام) از بانوان بزرگ و با فضیلت اسلام به شمار می آید.

بنا به گفته شیخ مفید در کتاب الارشاد، کنیه ایشان بنت طلحه است. (7)

نویسنده معالی السبطين، مادر حضرت رقیه (علیها السلام) را شاه زنان (شهربانو)؛ دختر یزدگرد سوم پادشاه ایرانی، معرفی می کند که در حمله مسلمانان به ایران اسیر شده بود. وی به ازدواج امام حسین (علیه السلام) درآمد و مادر گرامی حضرت امام سجاد (علیه السلام) نیز به شمار می آید. (8)

این مطلب از نظر تاریخ نویسان معاصر پذیرفته نشده؛ زیرا ایشان هنگام تولد امام سجاد (علیه السلام) از دنیا رفته و تاریخ درگذشت

او را 23 سال پیش از واقعه کربلا، یعنی در سال 37 ه. ق دانسته‌اند.

از این رو، امکان ندارد او مادر کودکی باشد که در فاصله سه یا چهار سال پیش از حادثه کربلا به دنیا آمده باشد.

این مسأله تنها در یک صورت قابل حل می‌باشد که بگوئیم شاه زنان کسی غیر از شهربانو (مادر امام سجاد (علیه‌السلام)) است.

سرمنشأ تشکیک در وجود حضرت رقیه(س)

نکته مهم درباب پذیرش یا عدم پذیرش پدیده‌های تاریخ اینک نمی‌توان با قطع و یقین اظهار نمود که اکثر مخالفان وجود حضرت رقیه در کربلا از روی عناد یا مشکل عقیدتی به ابراز آن پرداخته‌اند.

برخی از دلایلی که می‌توان بدان اشارتی داشت ؛

1. کمبود امکانات نگارشی

در باب نگارش قرآن یکی از پیچیدگی‌های بحث بازگشت مسأله نگارش به نبود اسلوب مشخصی از قبیل نبود نقطه، علائم آوایی و حرکات و ... در نگارش بوده است که در بحث حاضر نیز خود را به خوبی نشان می‌دهد.

2- کم توجهی به ثبت و ضبط جزئیات رویدادها

3- فشار حکومت بر سیره نویسان

فشار حکومت بر سیره نویسان و وارد کردن اغراض سیاسی خود در نوشته جات یکی از دلائل مهم حقیقت پوشی تاریخی است.

4 - فقر منابع تاریخی

به دلیل تاخت و تازهای دوران مغولها و ... بسیاری از منابع اصیل تاریخی چه سنی و شعه یا به تاراج رفته ی و یا در جریان کتابخانه سوزیهای بزرگ محو و نابود شده‌اند.

5 - همنامی فرزندان امام حسین(ع)

امام حسین (علیه‌السلام) به دلیل شدت علاقه به پدر بزرگوار و مادر گرامی‌شان، نام همه فرزندان خود را فاطمه و علی می‌گذاشتند. این امر خود منشأ بسیاری از سهو قلم‌ها در نگاشتن شرح حال زندگانی فرزندان امام حسین (علیه‌السلام) گردیده است.

بررسی دیدگاه‌ها درباب وجود حضرت رقیه(س) در کربلا

تذکر: گاهی درمورد وجود حضرت رقیه (س) شبهات و تردیدهایی مطرح می‌شود که نام ایشان در اکثر کتب نیامده و یا نام‌های مشترک و مشابهی در آنها به چشم می‌خورد که با توجه به آن نمی‌توان به طور حتم بر وجود دختری به این نام اطمینان داشت.

در پاسخ باید متذکر شد که عدم ذکر نام «رقیه» در برخی منابع تاریخی نمی‌تواند دلیل بر خرافه بودن این شخصیت باشد؛ چرا که وجود نام‌های اشتباهی(کنیه و لقب) در کنار نام اصلی افراد از رسومات رایج عرب است و همان گونه که عده ای معتقدند، حضرت رقیه(س) همان فاطمه صغری است که نامش در بسیاری از تواریخ ذکر شده است.

علاوه بر اینکه بر نام «رقیه» در کتاب شریف لهوف سید بن طاووس و نیز سایر کتب تصریح شده است.

مرحوم شیخ علی فلسفی در کتاب «حضرت رقیه (س)» می‌گوید در بیش از بیست کتاب، نام ایشان را رقیه دیده است.

1 - حائری صاحب کتاب معالی السبطين

در کتاب معالی السبطين حائری آمده است : «کانت للحسین(ع) بنت صغیرهتسمى رقیه و کان لها ثلاث سنین»(9).

تعبیر« تسمى رقیه» نشان دهنده این مطلب است که «رقیه» نام اصلی ایشان نبوده بلکه به این اسم معروف بوده است.

2 - ابن ابی مخنف

ابن ابی مخنف نیز در مقتل الحسین درباره وداع حسین بن علی(ع) می‌نویسد : «ثم نادى یا ام کلثوم و یا زینب و یا سکینه

و یا رقیه و یا عاتکه و یا صفیه...» (10).

3 - شیخ بهایی ره

شیخ عباس قمی در نفس المهموم و منتهی الامال، ماجرای شهادت حضرت رقیه (علیهاالسلام) را از آن کتای کامل شیخ بهایی نقل می‌کند. هم چنین بسیاری از عالمان بزرگوار مطالب این کتاب را مورد تأیید، و به آن استناد کرده‌اند.

4 - سید بن طاووس ره

وی می‌نویسد: «شب عاشورا که حضرت سیدالشهداء (علیه‌السلام) اشعاری در بی وفایی دنیا می‌خواند، حضرت زینب (علیهاالسلام) سخنان ایشان را شنید و گریست.

امام (علیه‌السلام) او را به صبر دعوت کرد و فرمود: «خواهرم، ام کلثوم و تو ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سخنم را در نظر دارید [و به یاد داشته باشید] هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک ننزید و صورت نخراشید و سخنی ناروا مگویید [و خویشتن دار باشید].» بنابر نقل ایشان، نام حضرت رقیه (علیهاالسلام) بارها بر زبان امام حسین (علیه‌السلام) جاری شده است.

5 - طریحی در کتاب منتخب

وی سن حضرت رقیه (علیهاالسلام) را سه سال بیان نموده است. پس از او، فاضل دربندی (وفات: 1286 ه.ق) که آثاری هم چون اسرار الشهادة و خزائن دارد، مطالبی را از منتخب طریحی نقل کرده است.

بعدها سید محمد علی شاه عبدالعظیمی (وفات: 1334 ه.ق) در کتاب شریف الایقاد، مطالبی را از آن کتاب بیان کرده است. البته دیدگاه اول که از علامه حایری (وفات 1384 ه.ق) نقل شد از کتاب معالی السبطين از کتاب منتخب طریحی بهره برده است.

در کتاب احقاق الحق نیز آمده است: «ثم نادى يا ام كلثوم يا سكينه يا رقيه يا عاتكة يا زينب يا اهل بيتي عليكن منى السلام...» (11)

مؤید تاریخی بر وجود رقیه(س)

سه شاهد قوی بر اثبات وجود ایشان در تاریخ ذکر شده است.

(1) ابتدا گفتگویی که بین امام و اهل حرم در آخرین لحظات نبرد حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) هنگام مواجهه با شمر، رخ می‌دهد. امام رو به خیام کرده و فرمودند: «الا يا زينب، يا سكينه! يا ولى! من ذا يكون لکم بعدى؟ الا يا رقيه و يا ام كلثوم! انتم وديعة ربى، اليوم قد قرب الوعد؛ ای زینب، ای سکینه! ای فرزندانم! چه کسی پس از من برای شما باقی می‌ماند؟ ای رقیه و ای ام کلثوم! شما امانت‌های خدا بودید نزد من، اکنون لحظه میعاد من فرارسیده است.» (12)

(2) هم چنین در سخنی که امام برای آرام کردن خواهر، همسر و فرزندان به آنان می‌فرماید، آمده است: «يا اختاه، يا ام كلثوم و انت يا زينب و انت يا رقيه و انت يا فاطمه و انت يا رباب! انظرن! اذا انا قتلت فلا تشقن على جيباً و لا تخمشن على وجهاً و لا تقلن على هجرًا؛ خواهرم، ام کلثوم و تو ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سخنم را در نظر دارید [و به یاد داشته باشید] هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک ننزید و صورت نخراشید و سخنی ناروا مگویید.» (13)

(3) سیف بن عمیره از اصحاب امام صادق علیه السلام در شعری دوبار نام حضرت رقیه را آورده:

وعبيدكم سيف فتى ابن عميرة عبد لعبد عبید حيدر قنبر
و سكينه عنها السكينه فارقت لما ابتديت بفرقة و تغير
و رقيه رق الحسود لضعفها و غدا ليعذرنا الذى لم يعذر
و لام كلثوم يجد جديدها لثم عقيب دموعها لم يكرر
لم انسها و سكينه و رقيه بيكينة تبسّر و تزخر
يدعون امهم البتولة فاطما دعوى الحزين الوالة المتحير
يا امنا هذا الحسين مجدلا ملقى عفيرا مثل بدر مزهر
فى تربها متعفرا و مضخما جثمانه بنجيع دم احمر

این شخص و شعرش در کتب رجالی معتبر آمده اند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:
شیخ فخرالدین طریحی در المنتخب (متوفی: ۱۰۸۵ ه.ق)

علامه حلی در خلاصه الاقوال

ابن داود در رجالش

شیخ طوسی در فهرست

شیخ طوسی در رجالش

نجاشی در رجالش

پانوشتها :

- 1) لسان العرب، ج5، ص293.
- 2) قصه کربلا، پاورقی ص5185، سرگذشت جان سوز حضرت رقیه (س)، ص12.
- 3) بحار الانوار، ج44، ص210.
- 4) همان، ج15، ص39.
- 5) الارشاد، ج2، ص343.
- 6) کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج2، ص216؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص251.
- 7) الارشاد، ج2، ص200، اعلام الوری، ص251.
- 8) معالی السبطين، ج2، ص214.
- 9) معالی السبطين : 2 / 161، 170.
- 10) مقتل الحسین : 84.
- 11) احقاق الحق: 633/11.
- 12) موسوعة کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، جمعی از نویسندگان، ص511.
- 13) اللهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص141؛ اعلام الوری، ص236.